

نگاه → دکتر امان قرانی مقدم

چرا پدیده‌ها ظاهر می‌شوند
محیط‌های اجتماعی؛ خاستگاه پدیده‌ها

پدیده‌ها همه تحت تاثیر محیط‌های اجتماعی قرار دارند. از لایسی که می‌پوشیم و ظاهری که برای خودمان درست می‌کنیم گرفته تا شیوه حرف زدن و کالایی که می‌خریم و کتابی که می‌خوانیم، همه تحت تاثیر جو اجتماعی هستند. پدیده‌ها از تغییرات و تحولات اجتماعی ناشی می‌شوند و باعث تغییر ذائقه افراد در زمینه‌های فکری، رفتاری، دانشی، بینشی و... می‌شوند. رسانه‌های گروهی مثل تلویزیون و ماهواره، دوستان و همسالان، محیطی که فرد در آن رشد و پرورش می‌یابد، همه پدیده‌هایی را تبلیغ می‌کنند و فرد را به طرف این پدیده‌ها متمایل می‌سازند. محل ایجاد پدیده‌ها، معمولاً شهرهای بزرگ و پایتخت‌ها هستند اما پدیده‌ها فقط در این شهرها باقی نمی‌مانند و پس از همه‌گیر شدن در شهرهای بزرگ، راه خود را به طرف شهرها و روستاهای کوچک دیگر باز می‌کنند. تغییرات یک جا باقی نمی‌مانند و شیوع پیدا می‌کنند. جوانان صاحب تفکرات نو و جدید هستند و به همین دلیل ابداع پدیده‌ها معمولاً توسط قشر جوان یک جامعه صورت می‌پذیرد و اقبال‌دار دیگر را تحت تاثیر قرار می‌دهد. خاستگاه پدیده‌هایی که در داخل یک جامعه رواج پیدا می‌کنند، گاه خود آن جامعه است و گاهی جوامع دیگر. جامعه که فرهنگش تحت تاثیر فرهنگ جوامع دیگر است، برای پذیرش پدیده‌هایی که آن جوامع به سویش می‌فرستند، آمادگی دارد و آنها را می‌پذیرد. پدیده‌ها نشانگر این هستند که افراد به وضع موجود قانع نیستند.

پدیده‌ها شکافنده سنت‌ها هستند و خود را جایگزین افکار سنتی می‌کنند. بروز پدیده‌ها مختص دوران ما نیست و در طول تاریخ و در هر دوره‌ای، همواره موضوعاتی تبدیل به پدیده می‌شده‌اند. تکنوکرات‌ها معتقدند نوآوری در نوع انسان از مانی شروع شده که انسان‌های اولیه برای راحت‌تر شدن کار خود، شروع به استفاده از اسنخوان‌ها و سنگ‌های تیز به عنوان ابزار کردند. جوانان یک جامعه با ایجاد پدیده‌ها باعث پویایی یک جامعه می‌شوند و آن را به سمت جلو می‌رانند. روحیات سنت‌شکنانه در جوانان وجود دارد و آنها را اینکه پدیده جدیدی را جایگزین پدیده‌های قدیمی‌تر کنند، ترسی ندارند.

همان طور که اشاره شد، انگیزه جوانان برای ایجاد پدیده‌ها متأثر از فرهنگ خود جوامع و فرهنگ‌های دیگر است. به گفته جامعه‌شناسان، بر جهان «تکنیک» حاکم است و این تکنیک حرف اول را می‌زند و نظم‌های موجود را به‌هم می‌ریزد. «مارشال مک‌لوهان» می‌گوید برای کانالیزه کردن جهان و تبدیل آن به «دهکده جهانی» باید تکنیک‌های ارسال پیام را قوی و از ابزار قوی برای انتقال پیام استفاده کرد. در تکمیل نظریه مارشال مک‌لوهان، «هارولد لاسول» هم می‌گوید علاوه بر تقویت شبکه‌ها و ابزارهای ارتباطی، محتوای پیام هم لازم است تقویت شود تا تاثیرگذاری‌اش بر مخاطب بیشتر شود. غرب که ابزارهای ارتباطی بسیار قوی و فراگیری دارد، پیام را به کشورهای دیگر می‌فرستد و جوانان آن جوامع هم بدون اینکه خود خبردار شوند، تحت تاثیر محتوای پیام قرار می‌گیرند. این تاثیرپذیری همگانی جهان را به سمت کانالیزه‌شدن در جهتی که کشورهای قدرتمند می‌خواهند، پیش می‌برد.

ایسن گونه می‌شود که جوامع تحت تاثیر فرهنگ جهانی قرار می‌گیرند و فرهنگ‌های سنتی خود را فراموش می‌کنند. پدیده‌ها هم در کشورهای در حال توسعه دیده می‌شوند و هم در جوامع توسعه‌یافته. اما میزان شیوع آنها در جوامع توسعه‌یافته بیشتر است، به این جهت که پدیده‌ها برای بروز در این جوامع، مانع کمتری سر راه خود دارند. هجمه پدیده‌هایی که از طرف کشورهای قدرتمند به جوامع در حال توسعه در جریان است، باعث مغلوب شدن سنت‌ها و غلبه نوآوری‌ها می‌شود که این اتفاق به دنبال خود، از خودبیطیگانی جوانان کشورهای در حال توسعه را به همراه دارد و باعث روی آوردن آنها به فرهنگ مبتذل غرب می‌شود. آنها به فرهنگ صادرشده از غرب اعتماد می‌کنند و آن را مطلوب و خوب می‌پندارند و همین موجب می‌شود که آن فرهنگ را به طور کامل و بی‌چون و چرا پذیرفته، تابع و مقلد آن شوند.

***جامعه‌شناس و دانشیار دانشگاه تربیت معلم**

کهنی → دکتر شیوا بولت آبادی
تملک به جای ارتباط داشتن

نگهداری یک حیوان خانگی به خودی خود مطلوب است. وقتی یک کودک با یک حیوان خانگی انس می‌گیرد، می‌تواند از طریق این انس و الفت، دوست داشتن، مسوولیت‌پذیری و رابطه با پدیده‌ها، زندگی را تجربه کند و بیاموزد. آنچه در جامعه امروز ما پدیده شده، «تصاحب» یک حیوان خانگی است. در اینجا به چند موضوع باید اشاره کنیم؛ اول اینکه حس تصاحب و داشتن یک جاندار، می‌تواند به انسان یک حس غرور و برتری بدهد و موجب شود فرد احساس کند با داشتن یک موجود زنده که با اشیا خیلی متفاوت است، بین او و دیگران تفاوت زیادی به وجود آمده است و از این حس لذت ببرد. از بعد دیگر می‌شود قضیه را این طور نگاه کرد؛ وقتی فردی با یک حیوان خانگی بیش از حد انس و الفت می‌گیرد، این نگرانی وجود دارد که روابط اجتماعی او محدود شود و او وقت و توجه زیادی را صرف نگهداری از حیوان کند.

در ایسن حالت، او به جای پرداختن به آنچه موجب ارتقای روابط اجتماعی‌اش می‌شود، وقتش را ب آن حیوان خانگی سبری می‌کند. آنهایی که خیلی با حیوانات مانوس‌اند، این انس و الفت‌شان به قیمت از دست دادن روابط اجتماعی‌شان تمام می‌شود. اما زمانی که ما به این پدیده به عنوان یک مد در سطح همگرایی‌های اجتماعی نگاه کنیم، متوجه نکته دیگری می‌شویم؛ چیزی شبیه «خود را آراستن با داشتن یک حیوان».

یعنی داشتن یک حیوان مثل داشتن یک شیء گران‌قیمت. یعنی حیوان از طبیعت و کارکرد اصلی خودش دور می‌شود و تبدیل می‌شود به یک نماد طبقاتی و به عنوان چیزی برای چشم و هم‌چشمی تظاهر پیدا می‌کند. به روشنی می‌بینیم کسانی که توانایی مالی بالایی دارند، بیشتر سراغ نگهداری از حیوانات می‌روند تا کسانی که به ضرورت شغل یا زندگی‌شان با یک حیوان زندگی می‌کنند، مثل یک چوپان یا یک فرد نابینا. این افراد به این مد و با ایسن آرایش، خود را به گونه‌ای خاص و متعلق به یک گروه و پایگاه اجتماعی خاص معرفی می‌کنند که از عهده نگهداری حیوان با قیمت‌های بالا و تامین و تغذیه‌اش به خوبی برمی‌آیند. بنابراین می‌شود به این نوع از تملک حیوانات خانگی به عنوان یک هشدار اجتماعی نگاه کرد که باعث می‌شود تب داشتن یک حیوان خانگی ناگهان همه را بگیرد و باعث شود ما را به لحاظ طبقاتی از دیگران متمایز کند. برای اینکه نگهداری از حیوانات از حالت تملک خارج شود و به صورت دوستی میان انسان با حیوان و طبیعت دربیاید، خوب است دارندگان این حیوانات در رابطه بین خود و محیط زیست تأمل کنند و علاقه به حیوانات را به عنوان مصداقی از رابطه خوب با محیط زیست در نظر بگیرند. در این صورت است که نگهداری از حیوان می‌تواند مفید و البته سالم و تاثیرگذار باشد. اما متأسفانه شکل غالب ارتباط افراد با حیوانات، «داشتن» است، نه «رابطه داشتن» و این تملک به عنوان یک معضل اجتماعی کاملاً قابل نقد است. رویکردی که در گذشته برای نگهداری از حیوانات و رابطه با آنها وجود داشت، برآمده از کارکردی که یک حیوان برای خانواده و نیازی که خانواده به آن حیوان داشت، بود. حیوانات در زندگی روزمره به کار می‌آمدند. اگر مرغی توی حیاط خانه بود، از تخمش برای تغذیه استفاده می‌شد و اگر گوسفندی وجود داشت، برای استفاده از شیر یا گوشتش از آن نگهداری می‌شد. به سگ به عنوان یک نگهدای برای خانه یا گله نگاه می‌شد، نه وسیله‌ای برای پز دادن و چشم و هم‌چشمی. حیوانات به آن روزها با مردم زندگی می‌کردند و در زندگی روزمره به کار آنها می‌آمدند. اما حیواناتی که امروزه با قیمت‌های گزاف خریداری می‌شوند و با سبک‌های خاصی نگهداری می‌شوند، کاملاً جنبه تزیینی در زندگی افراد دارند. مسلماً ما حیوانات خانگی‌مان را دوست داریم اما اگر قرار باشد این دوست داشتن، بدون پیشینه و دلیل باشد، یا اینکه ارتباط با حیوان، جای ارتباطات اجتماعی ما را بگیرد یا بشود دلیلی برای فخر فروختن، باعث می‌شود حیوانات کارکرد خودشان را از دست بدهند و فلسفه نگهداری از آنها زیر سوال برود.

***روانشناس**

پیک پیک

سال پنجم ■ شماره ۱۰۹۰ ■ سه‌شنبه ۲۷ مهر ۱۳۸۹

این روزها علاقه به خرید حیوانات خانگی بیشتر و بیشتر می‌شود

قلعه حیوانات خانگی

صدا به صدا نمی‌رسد، از بس که این فروشگاه پر از گفت‌وگوی مرغ عشق این قفس با کاسکوی قفس بالایی است...از بس که یک طوطی عظیم‌الجثه به اسم «آرا» مشغول نواختن انواع و اقسام صداهایی است که می‌روند به کلمه تبدیل شوند. اینجا یک فروشگاه بی‌نظیر و پر از لحظه‌های سرگرم‌کننده است. فروشگاه فروش حیوانات خانگی! یادم می‌آید وقتی در مقطع راهنمایی درس می‌خواندم، چیزی حدود هشت سال پیش، تازه تب خرید همستر بین بچه‌ها باب شده بود. یکی از بچه‌ها که خیلی شیطان بود، صبح‌ها همسترش را توی سرویس مدرسه ول می‌کرد تا جیغ بچه‌های دیگر را دربیورد. این روزها نه‌تنها همسترها همبازی بچه‌ها شده‌اند و کسسی از آنها نمی‌ترسد، بلکه سایر حیوانات هم به داخل خانه‌های خیلی از ماها راه پیدا کرده‌اند. در پارک‌های خلوت کم این صحنه را نمی‌بینیم که زن یا مردی حیوان خانگی‌اش را برای هواخوری می‌گرداند. در بلاد خارجه که برای تعیین زیباترین حیوان خانگی‌شان مسابقه هم برگزار می‌کنند در این گزارش سری خواهیم دید به یکی از فروشگاه‌های حیوانات خانگی در مجموعه تفریحی ورزشی چمران تا ببینیم در این فروشگاه‌ها چه خبر است.

کاسکوی مذهبی؛ او سوره توحید را می‌خواند

راستش دیدن این همه حیوان که توی قفس‌های مختلف از سر و کول همدیگر بالا و پایین می‌روند خیلی هیجان‌انگیز است. شاید به خاطر ایجاد یک جور حس نوستالژیک در ذهن ماست؛ مایی که از کودکی‌مان با کارتون‌ها یا فیلم‌های بزرگ شده‌ایم که حیوانات در آنها قوه خود به منطق داشته‌اند، اهل خانه و خانواده بوده‌اند، با هم حرف می‌زده‌اند و هر کاری که از آدمیزاد برمی‌آمد را انجام می‌دادند. حیوانات این فروشگاه هم بی‌شاهد به حیوانات قصه‌ها نیستند. حداقلش این است که حرف می‌زنند، البته بعضی‌هایشان! محمد یکی از فروشنده‌گان این مغازه است. او می‌گوید بیشتر از همه برای خرید کاسکو می‌آیند، دلیلش هم قدرت حرف زدن بعضی از کاسکوهاست. او می‌گوید کاسکو نسبت به سایر حیوانات نیاز به توجه و مراقبت بیشتری دارد. هر چقدر بیشتر برایش وقت بگذارید و بیشتر به او توجه کنید لغت‌های بیشتری هم یاد می‌گیرد. کاسکوهای این فروشگاه از ۳۰۰ هزار تومان به بالا قیمت دارند و هر چه سن کاسکو بالاتر باشد، قیمتش کمتر می‌شود. محمد می‌گوید بعضی‌ها کاسکوها را جفت می‌برند، فقط به این خاطر که از ظاهر آنها خوش‌شان آمده است. یکی از کاسکوهای این فروشگاه «پریا» است. پریا یک مقدار وحشی است! یکدفعه از پشت میله‌ها با نوکش حمله می‌کند و روی دست هم نمی‌نشیند. اما همین کاسکوی کوچک از هر پنجاه‌اش یک هنر می‌ریزد! می‌تواند سلام کند، سوره توحید را بخواند، به همین خاطر دو میلیون تومان قیمت دارد! درست برخلاف کاسکوی دیگری که در این فروشگاه است و از بین تمام لغات فقط می‌تواند کلمه‌ای شبیه «آقا» را بگوید و قیمت پایین‌تری دارد.

کاسکوهای دم قرمز گران‌ترند

محمد می‌گوید کاسکوی دیگری هست که حتی تا ۳۰ میلیون تومان هم خواستار داشته، شیه «آقا» را بگوید و قیمت پایین‌تری دارد.
کاسکوهای دم قرمز گران‌ترند
محمد می‌گوید کاسکوی دیگری هست که حتی تا ۳۰ میلیون تومان هم خواستار داشته، شیه «آقا» را بگوید و قیمت پایین‌تری دارد.



مرم هم‌گی‌گیش →

خوبی‌ها و بدی‌های تومان

چرا یک حیوان داشته باشیم، چرا نداشته باشیم

شاید دلیل اصلی‌اش بر کردن یک جای خالی باشد؛ دلیل روی آوردن به نگهداری از یک حیوان خانگی و محبت کردن به آن. اما فقط نمی‌شود گفت یک دلیل دارد که این همه آدم علاقه دارند یک حیوان توی خانه‌شان داشته باشند. هر چند با آپارتمان‌نشینی نگهداری از حیوانات سخت‌تر شده، اما اینهایی که بخوانند، می‌توانند این کار را بکنند. حتما هم قرار نیست فقط آنهایی که تنها زندگی می‌کنند، یک حیوان خانگی داشته باشند. این موجودات برای خیلی‌ها جذابند و خواهان زیاد دارند. این روزها حیوانات خانگی جدیدی هم به بازار آمده‌اند تا اشتیاقی شما را برای نگهداری از یک حیوان در خانه بیشتر کنند. «وقتی کودک بودم، خانه ما حیاط بزرگی داشت که همیشه هم چند تا حیوان تویش نگه

همستر و خرگوش؛ محبوب و ارزان

همسترها موجودات بانمکی هستند. هم کوچکند و هم بی‌دردسر. نگهداری از آنها کار سختی نیست، به خصوص که راحت بدون جابه‌جایی‌شان هم آنها را به حیوانات همراه دائمی تبدیل می‌کند. آنها انقدر بانمک هستند که خیلی‌ها اگر سمت خرید هیچ حیوان خانگی‌ای نزنند، برای خرید همستر اقدام می‌کنند، مخصوصاً اگر بچه‌های کوچک داشته باشند. بچه‌ها جزء طرفداران پروپا قرص همسترها هستند. همسترها را با قیمتی حدود ۱۰ هزار تومان می‌توان خرید. بعضی از خریداران آنها را به صورت تکی می‌خرند اما بیشترشان یک جفت از آنها می‌برند. خرگوش‌ها هم از دیگر حیوانات کم‌هزینه و کم‌دردسر این



فروشگاه هستند. قیمت‌شان چیزی حدود ۲۰ هزار تومان است.

«آرا» چیزی شبیه طوطی با ابعاد ماکرو

آرا یکی دیگر از پرندگان این فروشگاه است که خیلی جدی است. حدود دو سال و نیم سن دارد و واقعاً زیباست. استثنای فروشگاه است، چون توی قفس نگهداری نمی‌شود و آزاد است. این هم به خاطر اهلی بودنش است! «آرا» از امریکای جنوبی آمده و رسماً یک تابلوی نقاشی

متحرک است. رنگ پرهايش مسحورکننده است. این پرند فعلاً حرف نمی‌زند. محمد می‌گوید اینها دو تا بوده‌اند. گویا از زمانی که دوستش رفته است آرا تنها شده و قید تلاش برای حرف زدن را هم زده! این پرند حدود سه میلیون تومان قیمت دارد و از نژادی به نام ماکائو است. غذایش هم تخم میوه، بالل و پادام‌زمینی است. بیشتر مراجعان به این فروشگاه راجع به آرا و اسلولوریس سوال می‌کنند. در این فروشگاه باکس‌هایی هست که معلوم است برای سگ یا گربه طراحی شده‌اند. حتی باکس‌های مسافرتی برای حیوانات هم وجود دارد، اما اثری از حیوانات داخل‌شان نیست. محمد می‌گوید سگ‌هایی که داشته‌اند، همه به فروش رفته‌اند و حالا نوبت آمدن گربه‌هایی است که تا چند روز دیگر می‌رسند. طفلک پرنده‌های فروشگاه!

فروشگاه‌های همدف‌حرف

در فروشگاه‌های حیوانات خانگی معمولاً غذاهای و سایر لوازم مورد نیاز برای نگهداری از حیوانات هم به فروش می‌رسند. شکل بسته‌بندی غذاها جالب است. بسته‌بندی‌های شیک و طرح‌های زیبا و شاد رویشان سریعاً چشم بیننده را به سمت خود می‌کشاند. یکی از این غذاها متعلق به کاسکوی آفریقایى است. هر بسته از این غذا حدود ۱۵ هزار تومان قیمت دارد. محمد می‌گوید معمولاً هر بسته غذا برای یک ماه این پرندۀ کافی است. غذای همستر هم در این فروشگاه به صورت بسته‌بندی‌شده به فروش می‌رسد.

قیمت این بسته‌ها که به عکس این حیوان مرزین شده‌اند هم‌قیمت با خاک اره محل زندگی‌شان است؛ هشت هزار تومان. یکی دیگر از اقلامی که در این فروشگاه‌ها فروخته می‌شود، قفس است. برای خیلی‌ها خرید یک قفس زیبا ارزشی هم‌سطح حیوان خانگی‌شان دارد. حتی خیلی‌ها اعتقاد دارند نصف اینکه حیوان‌شان به چشم بیاید به قفس و محل نگهداری‌اش بستگی دارد. قیمت قفس‌ها از ۱۰ هزار تومان شروع و در این فروشگاه به ۳۹۰ هزار تومان ختم می‌شود. محمد می‌گوید بیشتر قفس‌ها را به خاطر تنوع رنگ و مدل‌شان می‌خرند و تفاوت قیمت‌شان هم از این مساله و اندازه آنها ناشی می‌شود. حتی اینکه یک قفس پایه داشته باشد یا نداشته باشد



هم روی قیمتش تاثیر می‌گذارد. محمد قفسی را نشان می‌دهد که اختلاف قیمت پایه‌دار و بدون پایه‌اش حدود ۲۵ هزار تومان است. علاوه بر توجه به نیازهای روزانه حیوان خانگی‌تان و تهیه آب و غذایش باید سه فکر نیازهای روحی و روحیه او هم باشید. بالاخره حیوان طفلكی ممکن است حوصله‌اش در قفس سر برد. بنابراین باید به فکر سرگرم کردن و تهیه وسایل بازی‌اش بيفتید. در این فروشگاه‌ها معمولاً وسایل بازی حیوانات نیز به فروش می‌رسند. قیمت این وسایل بازی که رنگ‌های شاد و طرح‌های جالبی دارند از شش هزار تومان به بالاست و در این میان وسایل بازی کاسکو و همستر جزء پرفرقدارترین‌ها محسوب می‌شوند. اسم‌گذاری گونه‌های جانوری فروخته‌شده در این فروشگاه‌ها هم جالب است؛ رزلیا یا پرنسس قرمز، طوطی خورشید و طوطی عروس از جمله این نامگذاری‌ها هستند که هر یک سعی می‌کنند به اهیت این پرندگان اضافه کنند و ویژگی‌هایشان را بهتر نشان دهند. دختر، پسر، زن و مرد خریدار این حیوانات هستند و از کوچک‌ترها بیشتر، بزرگ‌ترها مشتریان نیز فروشگاه‌ها هستند. روباه داستان شازده کوچولو را یادتان می‌آید؟ وقتی می‌خواست به شازده کوچولو یاد بدهد که اهلی‌اش کند گفت: «اولش... توم لا تا کام حرف نمی‌زنی. چون سرچشمه همه سوءتفاهم‌ها زیر سر زبان است». روباه قصه انتوان دوست‌اگزوبری راست می‌گفت. سکوت از قدیم‌الایام است که عامل دوستی است و حرف زدن باعث سوءتفاهم.

شاید دلیل اینکه ما آدم‌ها اینقدر این حیوانات را دوست داریم و آنها را محرم تنهایی خودمان می‌دانیم، سکوت‌شان باشد، اینکه در زندگی ما انسان دوست‌اگزوبری راست می‌گفت. سکوت مراقبت از آنها راحت است و در نهایت باعث می‌شود ما نسبت به این موجودات که بزرگ کرده خودمان هستند احساس خوبی داشته باشیم و از این طریق نسبت به خودمان هم احساس بهتری پیدا کنیم. این حیوانات اگر هم حرف بزنند چیزی را می‌گویند که ما به آنها یاد داده‌ایم؛ چیزهایی که ما دوست داریم بشنویم...**پی‌نوشت:**

۱- شازده کوچولو ترجمه احمد شاملو

.....

باشیم، سر کیف می‌آید، حرف می‌زند و اگر حالش خیلی خوب باشد، می‌رقصد.»
خیلی‌ها هم با نگهداری از حیوان مخالف‌اند، خودشان اقدام به انجام این کار نمی‌کنند و به فرزندان‌شان هم اجازه آوردن حیوانات به خانه را نمی‌دهند: «به نظر من همه آنها کثیف هستند. هرچقدر هم که مراقب نظافت آنها باشیم، به هر حال آنها حیوان هستند و در خودشان آلودگی دارند. پرندۀ‌ها باعث حساسیت و آلرژی می‌شوند و سگ و گربه و خرگوش هم بی‌نهایت بیماری دارند.»
برای بعضی‌ها هم کثیف بودن حیوانات مطرح نیست؛ از نظر این گروه، آنها چندان‌آورند: «نمی‌توانم درک کنم چطور بعضی‌ها برای خریدن یک حیوان اینقدر پول می‌دهند و آن را توی خانه و توی بغل خودشان بزرگ می‌کنند!»
گاهی هم افرادی پیدا می‌شوند که حیوانات را دوست دارند، اما به خاطر دلایل عاطفی هیچ وقت حاضر نمی‌شوند یکی از آنها را داشته باشند.